

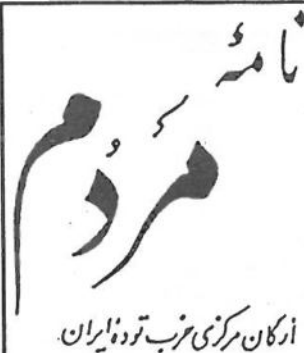
تظاهرات اعتراضی در تهران

تأمین کسری بودجه از طریق افزایش بهای کالاها و خدمات دولتی و صرف نظر کردن رژیم از کنترل قیمت ها در بخش خصوصی و تمایل هرچه بیشتر به کاهش تدریجی و در مرحله نهایی قطع کامل سوبسیدهاست. روزنامه "رسالت" ارگان صاحبان ثروت در تجدید سیاست "آزاد کردن" قیمت ها که دولت در پیش گرفته، خاطرنشان می سازد، تعیین قیمت کالا و خدمات باید به بخش خصوصی سپرده شود.

سیاست رفسنجانی دایر بر تکیه به "بازار آزاد" به عنوان مکانیسم عرضه و تقاضا با بحران اقتصادی نه جدید است و نه بکر. بحران ساختاری موجود ارتباط مستقیم با مجموعه رویانی سیاسی دارد. رژیم فاقد سیاست مدون ادامه در ص ۷

مردم تهران علیه افزایش سریع قیمت ها به تظاهرات دست زدند. سیر صعودی قیمت ها و تورم افسارگسیخته که محصول "سیاست جدید" دولت است و مدتهاست اجرای آن آغاز شده، غیر قابل تحمل است. افزایش پنج برابر بهای بلیط اتوبوس قط بهانه ای بود برای تظاهرات ضد دولتی. خیرگزارهای جهان می نویسند، تظاهرات که بیش از یک ساعت طول کشید و موجب بسته شدن خیابان ها و توقف حرکت اتومبیل ها گردید، بزرگ ترین، متشکل ترین و گسترده ترین اعتراض توده ها بعد از روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی بود.

مطبوعات مجاز پنهان نمی دارند که افزایش سرسام آور قیمت ها نتیجه ناگزیر سیاست دولت برای



شماره ۳۵۴، دوره هشتم،

سال هشتم، ۱ مرداد ۱۳۷۰

جنگ و خون ریزی در سیستان و بلوچستان

بافرماندهان نظامی پاکستان پیرامون سرکوب مشترک طغیان نوبتی بلوچ های ایران است.

مضل بلوچ چیز تازه ای نیست. هم کراچی و هم تهران سالهاست که با این مضل مهم روبروی هستند. آنچه مربوط به بلوچ های ایرار است، آنها سالهاست برای دستیابی به یک زندگی انسانی مبارزه کرده و بر کنند و در این راه تاکنون قربانی های فراوانی داده اند. احدی نمی تواند منکر عقب ماندگی بی حد ادامه در ص ۷

مسافرت "سردار رضائی" فرمانده سپاه پاسداران به پاکستان هدف های گوناگونی را تعقیب می کرد. پاکستان بپ هسته ای می سازد و تهران نیز در این طریق پیش می رود. به همین سبب، خیرگزاری ها در تفسیر سفر رضائی به پاکستان موضوع جلب کمک نظامیان آن کشور را برای ساخت بپ هسته ای در ایران مورد بررسی قرار دادند. ما، در این باره جداگانه نظر خواهیم داد. اما، آنچه به عنوان موضوع روز مطرح است، مذاکرات پشت پرده وی

باید به نهیلیسم حقوقی پایان داد

۱۳ سال از عمر این رژیم می گذرد. چه جنایات هولناکی که سران رژیم در این مدت کوتاه به نام اسلام مرتکب نشده اند. نهیلیسم مذهبی - حقوقی به موازات جنگ روانی گسترده، نشانگر سطح نازل فرهنگ سیاسی حکام جمهوری اسلامی است و این نیز نمی توانست در پراتیک به نفعی کامل موازین قانونی مورد پذیرش بشریت مترقی و روی آوردن به ارتجاعی ترین، بواپس مانده ترین، ضدبشری ترین، سیاه ترین قوانین مانند قانون قصاص منجر نگردد. هر فرد دارای مسئولیت و در هر گوشه ای از کشور به نام خدا و اسلام و شرع به دلقخواه خود عمل می کند و به ترور شهروندان اشتغال دارد. آیا می توان ناظر این روند وحشیانه بود و ساکت ماند؟ باید به نهیلیسم حقوقی پایان داد.

آینده نگری روندهای سیاسی و اجتماعی یکی از دستاوردهای تمدن بشری است. اما آینده نگری فقط در جوامعی امکان دارد که اصول آزادی های دموکراتیک به این یا آن شکل مراعات گردد. در شرایط استبداد و خودکامگی پیشگویی سیاست خودکامگان امکان پذیر نیست.

همه انسان ها، بدون استثنا، به سوی زندگی در جامعه ای آزاد، و در شرایطی که از حال و آینده خویش و خانواده هایشان هراسی نداشته باشند، کوشش دارند. زندگی در جامعه ای که شرف، حیثیت، شخصیت انسان مسون از تجاوز ارگان های سرکوبگر باشد، سعادت بزرگی است. در این گونه جوامع معمولاً، قانون متکی بر اعلامیه حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک مورد پذیرش بشریت مترقی باید حکمروا باشد. این نوع حکومت ها را، حکومت های قانونی و حقوقی محصول تجلی اراده مردم می نامند.

متأسفانه، سه نسل ایرانی، در تاریخ نسبتاً کوتاه معاصر به علت فرمانبراری و سیادت استبداد، از ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک محروم بوده هستند و عده نسبتاً بزرگی از آنها در زمان های مختلف مجبور به جلائی وطن شده اند. در کشوری مانند ایران، با سابقه فرهنگی - تاریخی، چنین روندی غیرطبیعی و در تضاد با منطق به نظر می آید.

امروز در جامعه ما، رژیم عمیقاً ارتجاعی فرمانرواست. گردانندگان و مسئولان تبلیغاتی رژیم می خوانند به افکار عمومی تلقین کنند، "حکومت اسلامی" موجود بر اساس ارزش های الهی و انسانی و احترام به حقوق بشر و حرکت های آن بر اساس قسط و عدل پاینده است. آقای بهشتی یکی از نظریه پردازان رژیم می گفت: "در جامعه اسلامی، اسلام انسان را موجودی آزاد می داند و حتی به این موجود آزاد نهیب می زند که در هر شرایط اجتماعی که هستی نیست، یا پیران یا بئیر یا لاقال هجرت کن، به هر حال تسلیم محیط فساد نشو...". و از اینجا نتیجه می گرفت که بنابراین اسلام، "برای انسان در برابر فشارهای محیط، آزادی

ادامه در ص ۲

قانون کار ساخته و پرداخته رژیم فقها از تصویب نهایی گذشت:

بعد از دوازده سال، بالاخره قانون کار ساخته و پرداخته رژیم فقها که از تصویب نهایی گذشت، رسماً اعلام گردید. سران رژیم همان گونه که در طی سال های بعد از انقلاب با وقاحت تمام و با صرف مخارج گزاف و تبلیغات گسترده، سعی کرده اند سیاه را سفید وانمود کنند، این بار نیز وارد صحنه شده و هیاهوی زیادی درباره قانون کار کذایی به راه انداخته اند.

دست اندرکاران رژیم در یک سناریوی از پیش تنظیم شده، از مزایا و محاسن این قانون دم زدند. رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در مراسم دولتی نماز جمعه گفت: "... مجمع تشخیص مصلحت نظام با چندین ماه کار مداوم توانست قانون کار را به صورت قانون کامل، اسلامی، با حفظ حقوق کارکنان و کارگران و همه

ادامه در ص ۳

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

باید به نیهلیسم ...

قابل است.

بهشتی بهتر می دانست که آزادی مورد نظرش با آزادی واقعی فاصله زیادی داشت. گفته وی درباره اینکه انسان آزاد است اما در چهارچوب حدود الله و در چهارچوب قوانین الهی و یا تاکید وی بر اینکه "فلسافی حدود الله و احکام خدا مستوفی خطیری است که در نظام اسلامی برآمده مرجح تقلید، قتیبه فجاح و عامل آگاه به زمان گذارده شده است، بنابراین در شناخت حدود الله، جامعه اسلامی ما تابع مرجح تقلید آگاه رهبری است." نه "کلیع هیچ فرد و گروه دیگر"، مسودیت های زیادی برای آزادی تعیین می کند و آن را چنان در تداق احکام و حدود الهی می بیند که آزادی هنوز زایل شده، می میرد. چه گونه می توان در چنین شرایطی تسلیم فساد نمود؟ به پیشنهاد نظریه پرداز اسلام قاتلانی، "میر یا میران" و یا لااقل هجرت کن.

در رژیم های استبدادی - مذهبی و یا غیرمذهبی - آزادی نمی تواند وجود داشته باشد. اداره کنندگان کشور در نظام های استبدادی از جانب مردم انتخاب نمی شوند. شورای انتخاباتی در جمهوری اسلامی فقط هدف تمسقی افکار را با توسل به باورهای مذهبی تعقیب کرده و می کند. در رژیم حاضر مردم هیچ نظارتی بر طرفی سه گانه ندارند، هیچ نوع مناسبات متقابل میان توده ما و رژیم حاکم موجود نیست. حال آنکه حکومت و حاکمیت باید مستقیماً از استقلال فرد و یا شهروند باشد و این یک داده طبیعت است.

آذری لسی می گوید: "روحانیت باید مردم را در انتخاب و گزینش اصلاح کمک کند" و "شناخت خود را (تکرار می کنیم شناخت خود را) از افراد و احساس و گروهها" با مردم در میان بگذارد. این اظهارات به تفسیر نیازی ندارد. به گفته وی آخوندها باید نظرات خود را درباره افراد و احساس و احزاب سیاسی به مردم تلقین ویا تحمیل کنند. به حثیده وی انسان ما باید تابع احکام الهی مورد نظر آنها باشند. و به همین سبب باید "نظام اسلامی" در جامعه حکمروا باشد و در "آن نظام ولی قتیبه" حاکم گردد، زیرا بدون حاکمیت وی هیچ کدام از احکام الهی اجرا نخواهد شد.

اگر کسی تابع این نظرات حقیقا ارجحی نباشد تکلیفش چیست؟ مرگ یا مهاجرت. این شامل همه دگراندیشان سیاسی و مذهبی است. مثلاً، چندی پیش محمد یزدی رئیس ترقه قضایی، اعدام گروهی روحانی را اعضای ترقه "رجسورن" را اعلام کرد. چرا اعضای ترقه ای از مذهب شمه را که قرن ها وجود داشته می پایست اعدام کرد؟

از نخستین روز تولد جمهوری اسلامی، دو جناح صده در آن برای تصرف قدرت مبارزه می کنند.

در حال حاضر این مبارزه با شدت و حدت بی سابقه ای ادامه دارد. جناح "میانه رو" می خواهد جناح "گندرو" را از میان بردارد. ما، درباره مواضع این دو گروه سخن گفته ایم و تضاد کرده ایم. در اینجا هدف از طرح دوباره، تحلیل ماهیت ضد دموکراتیک رژیم است.

چند روز پیش، خامنه ای در جمع بازاریان و اصناف تهران با در نظر گرفتن "گندروها" از جمله گفت: "... بعضی ما تلاش می کنند بین مردم اختلاف بیاندازند. بعضی ما هم تلاش می کنند مردم را نسبت به مسئولین و نظام بدبین کنند، بدانند که این کار خیانت است و بدانند که من ادامه این جور کارها را تحمل نخواهم کرد." رهبر "اندام افرادی را که بخواهند

میان مردم و این رئیس جمهور سخرچی که امروز ما داریم" نفاق بیاندازند، "جرم" و "خیانت" نامید.

برای اینکه بدانیم "نظام اسلامی" عرضه شده توسط آقایان تاچه اندازه با حکومت حقوقی فاصله دارد به اظهارات برخی دیگر از مسئولین رژیم مراجعه می کنیم.

حلی موحدی ساوچی، نماینده سازه در مجلس شورای اسلامی افرادی را که به "خطر افراط و خواسته های خلی، جناحی و پاندهی، قدرت طلبی و فرصت طلبی به دنبال این باشند که اصل نظام را زیر سوال ببرند" خائن به انقلاب می نامد. او به "جناح رادیکال" هشدار می دهد تا "از گذشته، از حرکت های ضد انقلاب، از همه جریان ها و جناح هایی که برخلاف حرکت صحیح و حرکت الهی ولایت قتیبه، در این ۱۲ سال "صل و حرکت کردند و دیدید کارشان به کجا کشید" و به قول وی، گویا "خودشان موجب نابودی خود شدند، عبرت بگیرند. آقای موحدی ساوچی در این مورد از "جریان های ملی گرایی، نفیست آزادی، توره ایها، انتظامی ها، منافقین و گروههای دیگری که در این مملکت آمدند" نام برد. او، آزادی ظلم و میان را "گور خود کردن با ظلم" و "با زبان" خواند. او خطاب به شهروندان می گفت: "حقیقت شما، اختیار شما، آینده شما، دنیای شما و آخرت شما در گرو اعتقاد به اسلام، تعبد به اسلام، اطاعت از اسلام، اطاعت از ولی قتیبه" است.

نمونه دوم، محمد حسن علوی، نماینده گرگان است که می گوید: "امروز بر تمامی ما واجب است... اطاعت خود را از دستورات مقام معظم رهبری اعلام کنیم و بدانیم مشروعیت نظام، دولت، مجلس، ترقه قضائیه، نیروهای مسلح و شورای عالی امنیت ملی کشور تماما ازیرکت "ولایت قتیبه" است. اگر کسی قداست و عظمت "ولایت مطلقه قتیبه" را در گفتار و نوشتار ویا کردار نادیده بگیرد، قطعا بزرگترین خیانت را به ... اهداف بلند امام (ره) کرده است. مضمون و محتوای این اظهارات حقیقا در تضاد با حقوق بشر است و احتیاجی به تحلیل و تفسیر ندارد.

در فروردین ماه حده ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رژیم، وزیر آموزش و پرورش را استیضاح کردند. مرتضی نبوی، مدیر و مسئول روزنامه رسالت، در سرمقاله "رسالت" (۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰) نوشت: "از همان آغاز این حده که کارنامه روشنی در وفاداری به نظام، رهبری و ارزش های انقلاب از خود به جای گذاشته اند، به انواع حيله ها، کارشکنی خود را برای دولت آغاز کردند. نطق های قبل از دستور این حده، موضعی گیری های مختلف آنها در برابر نظام، سوال از وزیر امور خارجه حلی رهم هشدار رهبری، تخریب مصوبات مجلس خبرگان رهبری و تخطئه انتخابات مجلس خبرگان و هم صدایی با رادیو اسرائیل و منافقان در این امر، طرح حذف التزام صلی به اسلام و جمهوری اسلامی از شرایط کاندیدهای مجلس، شک حرمت نهاد مقدس شورای نگهبان و تلاش برای حذف آن در چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی ... و مشت از خربوار تلاش های بی وقته این افراد برای تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی" است.

آیا اتهامات وارده در لابلای این چند سطر برای اعضای مجلس شورای اسلامی جهت صدور حکم "مفسد فی الارض" کافی نیست؟ ما نمی خواهیم در اینجا از ترور و حذف روحی و فیزیکی دگراندیشان سیاسی که همگان از آن اطلاع دارند، سخن به میان آیم. این نمونه ها نشانگر چگونگی تبدیل دولت و حکومت، به یک مکلنسیسم سرکوب و به یک نهاد بیگانه با مردم است. اگر جناحی از دست اندرکاران "نظام اسلامی" درباره جناح دیگران گونه تضاد می کند، پس تکلیف مردم هادی چیست؟

صرف نظر از محتوای مبارزه دوجناح، هدف حده رهبران "نظام اسلامی" از بین بردن تمایل توده ما به دخالت در سیاست است. این تلاش محکوم به شکست است. تجربه تاریخ شامدی بر این مدعاست. کشفی به سوی آزادی در طبیعت انسان نهفته است. زندگی و سرفروفت فرد - فرد ساکنان کشور با سیاست، در هم آمیخته است. وقتی توده ما را در تعیین سیاست شرکت نمی دهند، حقوق مسلم آنها را هم در زمینه اجتماعی - سیاسی وهم در زمینه معنوی لگدمال می کنند.

خصلت غیرحقوقی و استبدادی حکومت جمهوری اسلامی، سیاست رژیم را غیرقابل پیش بینی می سازد و نمی توان امیال رهبران را در آینده نزدیک و دور ارزیابی کرد. حدود ۱۲ سال از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی می گذرد. در این فاصله بسیار کوتاه مواد آن بارها برای تحکیم قدرت انحصاری این یا آن فرد حاکم تفسیر یافته است. تازمانی که رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی بود، هیچ نهادی برای تحدید عملکرد آن تشکیل نشد. در اوان گذار وی به ریاست جمهوری، قانون اساسی تفسیر کرد نهاد نخست وزیر برای تصویب نهاد ریاست جمهوری، حذف شد. سپس برای مقابله با مجلس و تقسیم آن، "مجمع تشخیص مصلحت نظام" به قانون اساسی "تعمیل" گردید. این نهاد عملا وظیفه ترقه قانونگذاری را به عهده گرفته است.

به این گفته احدی سخنپن توجیه کنید: "اعضای "مجمع تشخیص مصلحت نظام" بدهای قانون کار را با دقت و وسواس بررسی و تصویب کرده اند". چرا مجمع تشخیص مصلحت نظام؟

تمایل به تغییر قانون اساسی در رژیم "ولایت مطلقه قتیبه" به منظور تقویت ماهیت خودکامگی آن را نمی توان چیزی جز نیهلیسم حقوقی و بی اعتنائی به موازین قانونی و خسومت آشکار با آزادی های دموکراتیک ارزیابی کرد.

بت سازی از این یا آن فرد حاکم نیز از نیهلیسم حقوقی نشات می گیرد. اگر دیروز سخنی بت ناجی "نظام اسلامی" بود، امروز هاشمی رفسنجانی به این عنوان صبری می گردد. مشکونی، رئیس مجلس خبرگان در سالروز تشکیل سازمان تبلیغات اسلامی، هاشمی رفسنجانی را "بهترین، لایق ترین، دلسوزترین و بی نظیرترین فردی" دانست که "به عنوان ریاست جمهوری در حال خدمت به جامعه می باشد". به حثیده وی در حال حاضر "هیچ کس را نمی توان پیدا کرد که بهتر ولایتی تر" از رفسنجانی باشد.

ناطق نوری، نماینده مجلس می گوید: "امروز مسؤلیت اجرایی کشور را حضرت آیت الله (۱۲) هاشمی رفسنجانی به عهده دارد. رئیس جمهور بزرگوار، هوشیار، پرتوان، بلندمدت، اجرایی و دلسوز که در سخت ترین شرایط کشور به عنوان تکلیف شرمی این بار را بر دوش کشیده و به فرموده خودش احساس کرد که کشور به وضعیتی رسیده که هیچ کس جز او نمی تواند آن را نجات دهد".

چنانکه می بینید تلقی و ستایشی از فرد و فردپرستی به حد افراط رواج دارد و این نمودار شکل گیری دیکتاتوری فردی است. وقتی حمیدالدین ملازمی، نماینده ایرانشهر بدون توجه به ترقه گسترده و فراگیر در جامعه، از پشت تریبون مجلس شورای اسلامی می گوید: برنامه های هاشمی رفسنجانی "مستحان توفنده به قصد اختلالی نظام اسلامی و ایجاد عزت و شرف برای جامعه ایرانی، گام های بلند استوار خود را برمی دارند" و یا نماینده دیگری فریاد می کشد که درخط اول "انقلاب اسلامی" قبلا امام

قانون کار ساخته ...

کسانی که دستشان به نحوی در کارمست تنظیم کند."

دیگردست اندرکاران تهیه متن قانون کار جدید، برای اینکه چنین فاشکاری به اسم دیگری تمام نشود، پا را از رفسنجانی نیز فراتر گذاشتند. از جمله چنین افرادی محمدسلامتی، نماینده مجلس رجم است. او در صحبت های خود پیرامون قانون کار اظهار داشت: "خوشبختانه قانون کار جدید جمهوری اسلامی از محتوای خوب و انقلابی برخوردار است و می شود گفت که بسیاری از مفاد آن در سطح استانداردهای بین المللی، و بعضی مواد آن حتی از استانداردهای بین المللی فراتر رفته است."

در این مورد وزیر کار سابق و نماینده فعلی مجلس رجم، سرحدی زاده نیز در جلسه انجمن های اسلامی کارگران واحد غرب تهران در تاریخ ۲۶ دیماه سخنان مبسوطی ابراز داشت. سرحدی زاده که خود اهمیت ویژه ای را برای تشکل در سخنانش قائل می شد، سعی نمود چنین وانمود سازد که می توان بر پستر این قانون کار، تشکل های کارگری ساخته و پرداخته رجم را گسترش بخشید. او توصیه کرد که: "اکنون که قانون کار این حق را داده، باید به بهترین وجه از آن استفاده کنیم."

از طرفی دیگر جراید رجم بخصوص روزنامه "کار و کارگر" با درج پیام های تیریک و تشکر تشکل ها و محافل کارگری رجم از رفسنجانی و وزیرکار، نقش خود را به گونه ای دیگر در این تبلیغات مضحک ایفا نمودند.

اما، رفسنجانی و کمالی وزیرکار دولت او و سایر دست اندرکاران رجم، باید به خوبی آگاه باشند که هر دو رجم شاه و قتها، تمام امکانات سرکوب خودشان را به کار بسته اند تا کارگران در سیاست و آنچه که مربوط به دفاع از منافع و حقوق و سرنوشت کارگران و زحمتکشان است دخالت نکرده و نقشی نداشته باشند. هر دو رجم از سرکوب و شکنجه و اعدام اعضا و فعالین تشکل های مستقل کارگری و اعضای سازمان ها، احزاب مترقی مدافع منافع و حقوق کارگران و زحمتکشان کوتاهی نکرده اند و در این شقاوت و بی رحمی، لگدمال نمودن دستاوردهای جنبش هفتاد ساله کارگری و سندیکایی ایران، رجم قتها، رجم شاه را رونسفید کرده است.

در طی دوران حاکمیت رجم جمهوری اسلامی، صدها کارگر و زحمتکش به جرم عضویت در سندیکایها و یا هواداری از یکی از سازمان های مترقی، زندانی و شکنجه و اعدام شده اند و عده ای از آنان هنوز هم در سیاهچال ها و شکنجه گاههای رجم در اسارت به سر می برند.

در این مدت، بخصوص بعد از مخالفت گسترده کارگران با قانون کار توکلی و پس گرفتن آن از طرف رجم، دهها سندیکا و شورای منحل و رهبران و فعالین آن تحت تعقیب و اموال آنها غارت شده و هزاران کارگر به جرم دگراندیشی، کار خود را از دست داده و به خیل

میلیونها بیکار پیوسته اند.

علاوه بر این، در این قانون کار هیچ یک از اصول اولیه اساسی مصوبات بین المللی سندیکایی و سایر استانداردهای بین المللی کار از قبیل امنیت فیزی برای همه، حقوق و مزد متناسب با هزینه های زندگی، حق اعتصاب، حق اعتراض و تظاهرات، حق عضویت آزادانه در تشکل های مستقل کارگری و... در نظر گرفته نشده است. و این در حالی است که مسئولان رجم لز "مطابقت آن با استانداردهای بین المللی" و در بعضی مواقع "حتی بالاتر از آن" دم می زنند.

در شرایطی که کارگران و حتی محافظ و تشکل های کارگری وابسته به رجم خواستار تعیین دستمزدها متناسب با حداقل هزینه زندگی هستند، حجت الاسلام هاشمی رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس گوشه ای از قانون کار را تشریح کرده و می گوید: "در قانون کار اسلامی، حداقل مزد روی میارها و ضوابط اسلامی در نظر گرفته می شود". اعلام عیدی و پاداش کارگران بر مبنای همان روال قبلی اش، یعنی معادل دو ماه حقوق حداکثر به میزان ۸۵۰۰ تومان آنهم پس از تصویب قانون کار "جدید"، خود به بهترین وجه گویای همین "میارها و ضوابط اسلامی" است.

ماهیت ریاکارانه و ضد مردمی رجم زمانی هرچه بیشتر برای کارگران افشا می شود که سرمقاله نویس روزنامه "کار و کارگر" در تاریخ ۱۲ دیماه اصراف می کند که در تهیه و تنظیم این نامه ها و اساسنامه ها و نحوه اجرای این قانون، کارگران کوچکترین نقشی نخواستند داشت و این

وظیفه به وزیر کار، هیئت دولت و قوه قضاییه رجم محول گردیده است.

در طی سالیان بعد از انقلاب کارگران و زحمتکشان و مردم زجر دیده ما به تجربه دیده اند و با پوست و گوشت خود لمس کرده اند که سران رجم در حمایت سرسختانه از منافع سرمایه داران بزرگ و تجار عده بازار، با مبارزه برحق کارگران برای تحقق حداقل حقوق شناخته شده بین المللی، مخالفت نموده و وحشیانه آنان را سرکوب نموده اند.

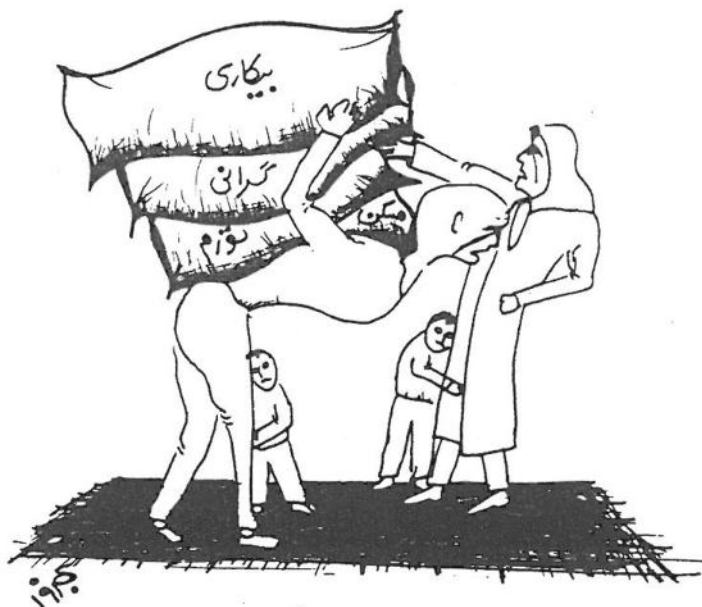
با توجه به سابقه تنگین و خیانت پلور رجم در لگدمال کردن آرمان های انقلاب بهمین وحی برخی از حقوق آزادی های مصوب قانون اساسی خود رجم، کارگران و زحمتکشان نسبت به اجرای همین قانون کارم با بدبینی و شک و تردید کامل می نکردند. حتی محافظ و تشکل های کارگری وابسته به رجم نیز این بدبینی و نگرانی را پنهان نکرده و با کتایه و به پنهان های گوناگون آن را مطرح می کنند.

رجم نخواهد توانست با سرپوش گذاشتن به تاریخ مبارزاتی کارگران و بی خبر نگه داشتن آنان از قوانین و حقوق بین المللی، راه را برای قبولاندن قوانین ارجحی خود هموار سازند. بدون شک این طرفداری و فریبکاری های رجم، همچون گذشته، با رسوایی و شکست کامل مواجه خواهد گردید.

به نقل از:

"خبرنامه توده" منتشره در تهران

شماره ۲۸ سال چهارم



با سقاپین زندگی پر دوش ز زحمتکشان

پاسخ به دو پرسش خوانندگان

پرسش: آیا درست است که نام حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تغییر کرده است؟ اگر تغییر کرده، در آن صورت این عمل مخالف نتیجه همه پرسی اخیر نیست؟

پاسخ: نه، هنوز تغییر نکرده است. ولی در طرح قرارداد درباره ماهیت جدید اتحاد شوروی، صفت سوسیالیستی را حذف کرده اند. بنابراین نام جدید، در صورت تصویب طرح، عبارت خواهد بود از "اتحاد جماهیر مستقل شوروی" البته این عمل مخالف اراده حدود ۷۵ درصد از رای دهندگان در همه پرسی اخیر خواهد بود. در واقع اکثریت مردم شوروی به حفظ نام حکومت خود و مالا به حفظ ماهیت سوسیالیستی آن رای دادند.

اگر به خاطر داشته باشید، تا سال ۱۹۹۱ رهبران شوروی و در درجه اول میخائیل گورباچف در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مطبوعاتی خود همیشه به حفظ ماهیت سوسیالیستی نظام تکیه می‌کرد و درباره سوسیالیسم انسانی دمکراتیک سخن می‌گفت؛ شکاری که وی مطرح می‌کرد عبارت بود از دمکراسی بیشتر، سوسیالیسم بیشتر. اما، اینک با آغاز اصلاحات رادیکال، گذار به اقتصاد بازار، خصوصی کردن ابزار تولید و از به اصطلاح اقتصاد مختلط سخن می‌رود و برخی از جمهوری‌ها هنوز طرح قانون جدید به تصویب نرسیده، صفت "سوسیالیستی" را از نام جمهوری حذف کرده اند.

۱۲ ژوئیه ۱۹۹۱، مطبوعات متن مصاحبه میخائیل گورباچف رئیس جمهور اتحاد شوروی را با خبرنگار تلویزیون منتشر کردند. خبرنگار پرسشی به شرح زیر مطرح ساخت:

- در شورای عالی نگرانی‌هایی در پیوند با نام حکومت وجود دارد. در همه پرسی گفته می‌شد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. می‌گویند در مذاکرات در شهر "نورا" - اوگاروف نتیجه همه پرسی مورد نظر قرار نگرفته است. حتما این موضوع در شورای عالی مطرح خواهد شد. شما چه می‌توانید در این باره بگویید؟

میخائیل گورباچف گفت، "آنانی که می‌کشند قرارداد جدید اتحاد را زیر علامت سؤال ببرند و می‌گویند که قرارداد در تضاد با همه پرسی است مسئولیت بزرگی را به عهده می‌گیرند". به نظر وی قرارداد، "آینده اتحاد ما را به مثابه حکومت فدراتیو دمکراتیک و مستقل تعیین می‌کند. مردم هم به این رای داده‌اند. اینکه آنچه در نظر گرفته شده فدراسیون جدید خواهد بود، قبل از هر چیزی در استقلال، گسترش حقوق، اختیارات و مسئولیت جمهوری‌ها منعکس است. در واقع آنها به مثابه حکومت‌های مستقل از نو بر پا می‌شوند. اگر کسی می‌اندیشد که این چیز جدیدی است و در این لحظه اختراع شده، جدی نیست. همه اینها هنوز در قرارداد سال ۱۹۲۲ نوشته شده بود. حکم زمان و خواست مردم در این بازتاب یافته است."

وی سپس افزود: "ما در همه پرسی به چنان اتحادی رای دادیم که حقوق، آزادی و امنیت شهروندان همه ملیت‌ها در همه اراضی، در هر جایی

که زندگی می‌کنند، را تضمین کند. این در شکل اصولی تقویت شده و در بخش‌های مشخص طرح قرارداد اتحاد وارد گردیده است."

به گفته میخائیل گورباچف نام اکثر حکومت‌ها فاقد صفات "کاپیتالیستی" و یا "سوسیالیستی" هستند. بنابراین نام پیشنهاد شده، به معنای زیر سؤال بردن نتیجه همه پرسی نیست. در کلیه مسایل مهم، ما در چارچوب انتخاب سوسیالیستی عمل می‌کنیم."

باید گفت موضوع تام هنوز بطور کامل روشن نشده است. ر. نیشانف صدر شورای ملیت‌های شورای عالی اتحاد شوروی و عضو کمیته تدارک، ضمن ارائه طرح جدید اتحاد در شورای عالی گفت که "احکام قید شده در طرح قرارداد اتحاد به توضیح و تمییز و تفسیر سیاسی نیاز دارد. این تفسیر در درجه اول، شامل نام فدراسیون جدید و یا دقیق‌تر گفته باشیم ماهیت خصلت آن می‌شود. این موضوع در جامعه و نیز در شورای عالی بیش از هر چیزی مورد بحث است و نظرات متقابل ارائه می‌گردد. این نیز بدون دلیل نیست، در طرح نام اتحاد جماهیر مستقل شوروی در نظر گرفته شده است. بدینسان از نام اتحاد، صفت "سوسیالیستی" حذف می‌شود. می‌پرسند، با نتایج همه پرسی همه خلقی چه باید کرد؟ قرار چهارمین کنفرانس نمایندگان خلق اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی "درباره نام حکومت شوروی" چه خواهد شد؟"

نیشانف در پاسخ به پرسش‌ها می‌گوید، زمان به سرعت پیش می‌رود، آهنگ تغییرات در نظرات اجتماعی و مواضع چنان سریع جریان می‌یابد که تصویری در برابر دیدگان ما می‌میرد و تصورات دیگر زاده می‌شوند. در جریان روند تهیه طرح قرارداد، تکیه اساسی روی حفظ مناسبات فدراسیونی میان خلق‌های کشور، میان جمهوری‌های شوروی به مثابه حکومت‌های مستقل گذارده شده است.

چنین است نظرات رهبران شوروی. آنچه مسلم است، میخائیل گورباچف در مصاحبه مطبوعاتی در استکهلم (پس از دریافت جایزه نوبل)، در پاسخ پرسش خبرنگاری گفت که اتحاد شوروی از سیستمی به سیستم دیگر گذار می‌کند. از کدام سیستم به کدام سیستم؟

در اتحاد شوروی توضیحی در این باره داده نمی‌شود و بیشتر از تمدن جدید سخن می‌گویند.

۲۱ ماه مه ۱۹۹۱، روزنامه "پراودا" نکاتی از سخنرانی قرولف، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی و سردبیر روزنامه "پراودا" را که در سینار دبیبران سازمان‌های حزبی دانشگاه‌ها پیرامون برنامه جدید حزب ایراد کرده بود، منتشر ساخت. وی می‌گوید، در جریان دگرگونسازی در نتیجه یک سلسله اصلاحات رادیکال به تدریج جامعه انسانی دمکراتیک شکل خواهد گرفت. در نظر گرفته می‌شود که اتحاد شوروی هرچه فمال‌تر به روندهای تمدن همگانی رشد جهانی کشانده خواهد شد و هرچه بیشتر در آن شرکت موثر خواهد داشت. به موازات حرکت به سوی جامعه انسانی دمکراتیک که در جریان زندگی استقرار واقعی خواهد یافت، باید همه جهات پیوند متقابل جهانی و درک آنها با توجه به اولویت ارزش‌های همه بشری بر پایه نواندیشی محاسبه و در نظر

توجه به اینکه اظهارات وی نه درپلنوم کمیته مرکزی که شوارنادزه عضو آن است و نه درمطبوعات حزبی شوروی منعکس نشده، کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی از ادواردشوارنادزه دعوت کرد تا توضیح دهد که عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی چه حزبی را می خواهد تشکیل دهد؟

چنین دعوتی درپراکتیک کمیسیون تفتیش مرکزی کاملاً عادی است. مثلاً، چندی پیش سران جریان های گوناگون در حزب کمونیست اتحادشوروی به منظور روشن کردن مواضع آنها برای بحث رقیبانه به کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی دعوت شدند. عکس العمل آنها درقبال این دعوت کاملاً عادی بود. به همین سبب حیرت آور است که، چرا ادواردشوارنادزه عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی، دعوت کمیسیون تفتیش مرکزی را به مثلاً "زرسی انگیزاسیونی" تلقی کرده است... از کدام "انگیزاسیون" سخن می رود؟

ثانیا، این اظهارات ادواردشوارنادزه که می گوید، "من درهیچ شرایطی زهربار بازجویی درچنین دادگامی نمی روم.... حداقل قابل تصحیح است. کمونیست هایی که به کمیسیون تفتیش مرکزی مراجعه می کنند درحیرتند و می پرسند: این ادعا برچه پایه ای استوار است؟ کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، کاملاً مطابق احکام و دیگر اسناد مصوب کنگره بیست و هشتم عمل می کند که ادواردشوارنادزه هنگامی که عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی بود، درتنظیم آنها شرکت مستقیم داشته است.

بالاخره، به نظرم، اقدام اخیر وی، فردی که مدت طولانی در پست های پرمسئولیت حزبی و حکومتی کار کرده، جز پرده ای برای پوفاندن حلق واقعی خروجش از حزب نبوده و نیست. وقتی ادواردشوارنادزه می گوید "اتخاذ این تصمیم برایش آسان نبوده"، سؤال برانگیز است.

درواقع ادواردشوارنادزه که مایل نیست سهمی ازمسئولیت درباره وضع کنونی حزب را به عهده گیرد، از مبارزه فعال برای تحققی سیاست حزب کمونیست اتحادشوروی سرپیچی کرده وعللاً سرگرم تاسیس حزب جدیدی شده که باید در موضع اپوزیسیون نسبت به احزاب کمونیست اتحادشوروی قرار گیرد.

بدینسان اظهارات ادواردشوارنادزه، به روند تغییر نظرات سیاسی وی پایان منطقی داد. صرفنظر از تصمیم سازمان حزبی و یا کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی، او خود را از حزب کنار گذارده است.

افرادی نظیر شوارنادزه، در حزب کمونیست اتحادشوروی اندک نیستند، آنها زمانی که حزب کمونیست حاکم بود با سرعت ازبلکان ترقی بالا رفتند و امتیازات زیادی به دست آوردند.

گرفته شود. حرکت به سوی سوسیالیسم انسانی دمکراتیک در پلن استقرار تمدن جدید برای برطرف ساختن محدودیت های سرمایه داری، مرحله صنعتی رشد تولید جریان خواهد یافت.

به گفته فرولف، طرح برنامه منعکس کننده این فاکت است که امروز درجریان تحولات اجتماعی، مسایل تمدن عام درمقایسه بامسایل فورماسیون، اولویت غیرقابل انکار دارد. اوگفت که "این دربیضی ها وحشت مقدس ایجاد می کند. برای پذیرش برخوردهای نوین به کار فکری جدی نیاز است". فرولف در خانمه ضرورت ایجاد شرایط مادی، اجتماعی و منوی استقرار تمدن جدید را خاطر نشان ساخت.

توضیحات فرولف تا اندازه ای مسایل مربوط به سوسیالیسم انسانی دمکراتیک را که درحال حاضر در دستور روز نیست، روشن می سازد. آنچه به گفته وی اولویت غیرقابل انکار دارد "تمدن جدید" و "مسایل تمدن عام" است.

پرسش: چرا شوارنادزه از عضویت در حزب کمونیست استعفاء داد؟

پاسخ: تمدادی از رقبا از "نامه مردم" خواسته اند تا به این پرسش پاسخ بدهد. طبیعی است که خود ما هم ازملت رسمی استعفاء آقای شوارنادزه بی خبر بودیم. خوشبختانه روزنامه "پراودا" مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۱ به موقع به دست ما رسید و ما می توانیم ترجمه توضیح دتر هیئت رئیسه کمیسیون تفتیش درج شده در آن را بدون کم و کاست، به اطلاع طرح کنندگان پرسش برسانیم.

خبرگزاری "اینترفاکس" اظهارات ادوارد شوارنادزه خطاب به کمیسیون مرکزی تفتیشی را (روز ۳ ژوئیه ۱۹۹۱) که درآن خروج خود از حزب را خبر داده بود، منتشر ساخت. کپی اظهارات ادواردشوارنادزه به سازمان حزبی وزارت امورخارجه اتحادشوروی ارسال شد تا طبق اساننامه موضوع خانمه دادن به عضویت وی در حزب کمونیست اتحادشوروی را مورد بررسی قرار دهد.

لحن اظهارات ادواردشوارنادزه ما را موظف می سازد تا نظر خود را درباره برخی از احکام آن ارائه دهیم. اولاً، انگیزه ساختگی وادارکننده ادواردشوارنادزه به خروج از حزب کمونیست اتحادشوروی، جلب نظر می کند. گویا مهمترین دلیل عبارت بوده از قرار بوروی پریزدوم کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی دایر بر تحقیق حزبی (یعنی تحقیق همه جانبه شرایط) پیرامون اظهارات ادواردشوارنادزه به هنگام سفر خارجی درباره ضرورت تشکیل حزب نوین دمکراتیک که باید "به موازات حزب کمونیست اتحادشوروی" عمل کند. با

این هم اطلاعاتی درباره آقای شوارنادزه

او، ۲۵ ژانویه ۱۹۲۸ در گرجستان متولد شد. درسال ۱۹۵۱ مدرسه حزبی کمیته مرکزی گرجستان و درسال ۱۹۵۹ دانشکده تربیت معلم کوتائیسک را به اتمام رساند. از سال ۱۹۴۸ به عضویت حزب کمونیست درآمد.

ازسال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۵۶ به عنوان مربی و دبیردوم و اول کامسامول کوتائیسک مشغول کار بود. در سال ۱۹۵۶ دبیردوم و در سال ۱۹۵۷ دبیراول کمیته مرکزی کامسامول گرجستان و درعین حال عضو بوروی کمیته مرکزی کامسامول انتخاب شد.

درسال ۱۹۶۱، ادواردشوارنادزه کار درحزب را آغاز کرد. درسال ۱۹۶۴ او به سمت معاون اول وزیر و در سال ۱۹۶۵ وزیر حفاظت نظم وانتظام جامعه گرجستان شوروی و در سال ۱۹۶۲ وزیرکشور گرجستان تعیین شد.

درسال ۱۹۷۲ او به سمت دبیراول کمیته شهر تفلیس انتخاب می شود. در سال های ۱۹۸۵-۱۹۷۲ شوارنادزه دبیراول حزب کمونیست گرجستان بود. از ژوئیه ۱۹۸۵ تا ژانویه ۱۹۹۱ سمت وزیر امورخارجه اتحادشوروی را به عهده داشت.

در کنگره های ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ حزب، ادواردشوارنادزه به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی انتخاب گردید. درسال ۱۹۷۸، برژنف او را به مقام عضویت دپرووی سیاسی ارتقاء داد و از ژوئیه ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۹۰ عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحادشوروی بود. دوباره به نمایندگی شورای عالی انتخاب شده است.

آقای شوارنادزه به علت کار زیاد در ساختمان سوسیالیسم چهار بار نشان لنین و نشان انقلاب اکبر، پرچم سرخ کار و غیره دریافت کرده است. در فوریه سال ۱۹۸۱ لئویدبرژنف همکار نزدیک خود ادواردشوارنادزه را برای "زحمات بی حدی" که وی در به ثمر رساندن برنامه پنج ساله دهم وانجام تمهیدات سوسیالیستی در زمینه های افزایش تولید و فروش گندم، برگ چای سبز و دیگر مواد غذایی کشیده بود، به درجه قهرمان کارسوسیالیستی منتظر کرد و شخصاً ستاره طلایی و نشان لنین را بر سینه او سنجاق زد.

اعتصاب کارگران صنعت نفت

افزایش حقوق، رسیدگی به تسهیلات کارگری و آزادی فعالیت
سندیکای کارگران نفت، از جمله خواستههای نفتگران بوده است



کارخانجات مزدا

در ماههای اخیر مدیریت کارخانه "مزدا" حده ای را خارج از ضوابط، استخدام می نماید که اکثرا از ولایتگان به مدیریت هستند. حقوقی که برای این افراد در نظر گرفته شده با کارگران مفت سال سابقه دار برابری نموده که همین مسئله موجب خشم کارگران گردیده است.

کارگران در این رابطه به وزارت کار شکایت کرده اند و بازرسی اعزامی وزارت کار، اقدام مدیریت را غیرقانونی اعلام می کنند.

اعتراضات متعدد کارگران مزدا طی سال های اخیر باعث گردیده که اخیرا به حقوق آنها ۱۵۰۰ تومان اضافه گردد و وام مسکن برای افراد بدون مسکن در نظر گرفته شود. مبنای این وام دو ماه حقوق برای هر سال سابقه کار در نظر گرفته شده است.

کارگران ضمن اینکه افزایش نازل حقوق تا زمانی که از افزایش قیمت مایحتاج عمومی جلوگیری نشود را مشکل گشا نمی دانند. همین عقب نشینی ها راجحه اعتراضات و اعتصابات کارگران و سایر حقوق بگیران می دانند و آزاران خشنود مستند.

سازمان آب و رشت

دراعتراض به وضعیت حقوق وگرانی فزاینده، کارکنان سازمان آب و رشت نیز همزمان با اعتصاب فرهنگیان سراسر کشور در یک اعتصاب چند ساعته شرکت جست و اعتراض خود را بدین وسیله اعلام داشتند.

تعطیلی کارگاههای تولیدی

پس از آغاز جنگ در خلیج فارس، کمبود مواد اولیه و افزایش سریع و سرسام آور قیمت آنها، مشکلات فراوانی را برای کارخانجات خصوصا کارگاههای صنوف که مستقیما با بازار عمده بازار طرف معامله هستند، بوجود آورده است. این امر باعث تعطیل و یا غیرفعال شدن برخی از این کارگاهها شده و به بیکاری شمار دیگری از کارگران زحمتکش منجر گردیده است. برای مثال قیمت یک متر چیر برای تولید کفش که ۸۰۰ تومان بود، در مدتی کمتر از یک هفته، به ۱۶۰۰ تومان رسیده است.

ترس و نگرانی در میان پرسنل

وزارت معادن و فلزات

در پی تصمیم رژیم مبنی بر واگذاری معادن به بخش خصوصی، حده کثیری از کارمندان و کارگران وزارت معادن و فلزات و شرکت های وابسته به آن در خطر اخراج و بیکاری به سر می برند. رژیم که هیچ گونه برنامه ریزی ای در قبال بیکار شدن این حده نکرده است، با اعلام این مطلب، موجب ترس و نگرانی در میان این پرسنل و خانواده های آنان گشته است.

در اعتراض به وضعیت ناهنجار اقتصادی و فشار طاقت فرسا بر دوش زحمتکشان، روزی نیست که اقدامی از سوی کارگران، مصلحان، کارمندان و دیگر اقشار مردم صورت نگیرد. هم اکنون خبر می رسد که کارگران صنعت نفت در یک اقدام متشکل و گسترده، به مبارزه با ظلم و تعدی مسئولین نظام علیه زحمتکشان برخاسته اند.

اعتصاب کارگران صنعت نفت روز شنبه ۸ دیماه سال گذشته، آغاز گردید و پالایشگاههای تهران، تبریز، اصفهان، آبادان و برخی دیگر از مراکز نفتی را دربر گرفت. کارگران نفت در این اقدام گسترده خود، به نحوی حرکات اعتراضی، اعتصاب و تحسین ها را تنظیم کردند که لطمه ای به تولید سوخت مورد نیاز مردم در فصل سرما وارد نیاید و تهدید نموده اند که اگر به خواسته های آنان رسیدگی نشود، به اقدامات جدی تری دست خواهند زد. خواست کارگران صنعت نفت، افزایش حقوق، رسیدگی به تسهیلات کارگری از جمله بن و بهره و نیز آزادی فعالیت سندیکاهای کارگران شرکت نفت بوده است. شرکت گسترده کارگران در این سلسله اقدامات، موجب وحشت و دستپاچگی مسئولان رژیم شده است.

چهارشنبه ۱۲ دیماه، نماینده وزارت کار و دادستانی مرکز به همراه پاسداران محافظ خود به پالایشگاه تهران می روند. کارگران از

برود پاسداران جلوگیری کرده، ولی به نمایندگان وزارت کار و دادستانی اجازه ورود می دهند.

نماینده دادستانی در مذاکره با کارگران از "مبارزات ضد امپریالیستی" رژیم، موقعیت حساس منطقه به دلیل حضور نیروهای امپریالیسم در خلیج و خطر بروز جنگ و امثالهم سخن می گوید و از کارگران می خواهد به اعتراضات خود پایان دهند.

یکی از نمایندگان کارگران در پاسخ به اظهارات مقامات می گوید:

"از وقتی شما هنوز به دنیا نیامده بودید، ما کارگران درگیر مبارزه ضد امپریالیستی بودیم و بهتر از شما این مطالب را می دانیم." او در قسمتی دیگر از صحبت هایش می افزاید: "من می دانم که شما به دلیل حرف هایی که زدم ممکن است مرا دستگیر و زندانی کنید ولی خواست های ما برحق است و می توانیم از آنها بگذریم".

کارگران تا ۱۹ دیماه فرصت می دهند تا به خواست هایشان رسیدگی شود و به سرکارهای خود بازمی گردند. اخبار بندی حاکی است که در پی انجام نشدن قول نمایندگان رژیم مبنی بر پرداخت ۲۰۰۰ تومان اضافه حقوق از اول دی ماه به جای اول سال ۷۰، مجددا در اواخر دیماه اعتصاب کارگران آغاز گشته و تا تاریخ دریافت گزارش ادامه دارد.

روز جهانی کارگر در کرج

یکی از کارگران حرکت "چوکا" بلندگو را از دست بخشی گرفت و خواست های کارگران را مطرح کرد. او ضمن دادن فشارهایی به حمایت از کارگران و ارزش و نقش آنان در جامعه، از مسئولین سؤال کرد که چرا باید کارگران در چنین وضع محقت باری زندگی کنند؟ وی درباره مسایل درمانی گفت: دقتوجه های بیمه ما کارگران، حلالا در طاقچه منازل مانده خاک می خورد و هیچ خاصیتی ندارد. دکترها و بیمارستان ها، ارزشی برای آنها قابل نیستند. و این در حالی است که هر ماه مقدار قابل توجهی از حقوق ما به عنوان بیمه درمانی کسر می شود. وضعیت مسکن ما از همه اسفناک تر است و روز به روز بدتر می شود، حقوق و دستمزدها هیچ تناسبی با هزینه زندگی ندارد.

مراسم فرمایشی روز جهانی کارگر از طرف انجمن اسلامی بسی از کارخانجات در میدان انقلاب کرج برگزار گردید. شرکت کنندگان مسیر میدان تاسجد جامع را راهپیمایی کردند. در مسیر حده ای کارگر به صفوف آنان پیوستند و از فرصت به دست آمده استفاده کرده مطالبات خود را پیش کشیدند.

زمانی که "حاجی بخشی" یکی از گردانندگان نماز جمعه تهران معروف به فهان بی مخ رژیم، شروع به دادن فشارهایی از قبیل "مرگ بر بی حجاب" کرد، با اعتراض شدید حده ای از کارگران روبرو گردید. کارگران می گفتند ما باید در چنین روزی مسایل و مشکلات کارگری را مطرح کنیم، نه اینکه فشارهای انحرافی که ربطی به مراسم امروز ندارد، عنوان کنیم.

جنگ و خونریزی ...

سیستان و بلوچستان باشد. در این منطقه بلوچ ها هنوزم در سطح ترونی وسطی زندگی می کنند. آنها هنوز هم در صحراها زیر چادرهای سیاه زندگی می کنند و گرسنگی می کشند. غذای حادی آنها مرغ خشک شده است. از بهداشت و درمان و آموزش و ... در این مناطق خبری نیست. صحر متوسط بلوچ از ۴۰ سال تجاوز نمی کند.

برای تغییر این شرایط است که بلوچ ها می رزمند. در سال های اخیر رژیم جمهوری اسلامی بارها کوفیده تا با توسل به ارگان های سرکوبگر جنبش آزادیخواهان بلوچ را سرکوب کند. تقریباً روزی نیست که مبارزان بلوچ را به نام قاجارهایی های

مواد مخدر به چرخه های اعدام نسیارند.

۲۵ تیرماه، خبرگزاری های جهان اخبار نگرانی آوری از بلوچستان مخابره کردند که می تواند با مسافرت "سردار رضائی" به کرانه بی ارتباط باشد. به موجب این خبر، باردیگر جنگ خونینی در استان سیستان و بلوچستان میان پاسداران و بلوچ ها آغاز شده است. اخبار حاکی از کشته و زخمی شدن دهها پاسدار است. نیروهای مسلح بلوچ در جنگی که گویا در نزدیکی زاهدان روی داده، عده ای از پاسداران را به اسارت گرفته، دو هلیکوپتر سپاه را ساقط کرده و متجاوز زیادی تجهیزات نظامی به ضمیمت برده اند. تعداد کشته شدگان بلوچ معلوم نیست.

رژیم "ولایت قبه" نمی خواهد و می تواند خواست برحق خلق ها را دایر به دادن خودمختاری

تأمین کند. از چندی پیش حملات نظامی در کردستان نیز تشدید یافته است. افزون بر این فشارها احزاب و سازمان های سیاسی هم که در داخل متقیانه مبارزه می کنند روبه افزایش است. بازم ارگان های سرکوبگر، دگراندیشان را آماج یورش های وحشیانه قرار می دهند.

ما، اصالح شد انسانی سران رژیم را که محصول مستقیم خصلت ضد دمکراتیک آن است، تنها محکوم می کنیم. بانکچه پرسوزیه می توان برانسان ها فرمانروایی کرد. به جنگ برادرکشی در بلوچستان باید پایان داد. نباید فراموش کرد که درسراسر دنیا مسئله ملی با حدت و فدیت بی سابقه ای مطرح است. طرفداران قلمیت ارضی ایران باید مشترکا درراه تأمین حقوق حقه خلق های ساکن کشور مبارزه کنند.

تظاهرات اعتراضی ...

منطبق با ویژگیهای جامعه ایران است. برنامه پنج ساله که این همه دربارها افس سخن می رود حتی در صورت اجرای کامل قادر به حل مضل اقتصادی - اجتماعی در کشور نخواهد بود. "بازار آزاد" در ایران حدود صد سال سابقه دارد و متوله نوین و ناهنسی نیست. "آزاد کردن" قیمت ها در جامعه ای مانند ایران که اکثریت مطلق ساکنین آن در سطح فقر و با پائین تر از آن زندگی می کنند، محصولی جز گسترش هرچه بیشتر فقر نخواهد داشت.

حلیه سیاست رژیم باید مبارزه کرد. تظاهرات تهران قطب گام نخستین در این زمینه است. دولت از لحاظ سیاسی در وضعی است که قادر تا نباید دست ارگان های سرکوبگر و راهبرای سرکوب جنبش اعتراضی مردم بازگردد. نباید فراموش کرد که پایان دادن به انفراد رژیم در عرصه جهانی هسته مرکزی سیاست دولت رفسنجانی را تشکیل می دهد. او با تمام قوا می کوشد تا چهره جنایتکار رژیم را رنگ و روغن بزند. این یک مانور سیاسی است، باید از آن استفاده کرد. بدون تشدید مبارزه نمی توان رژیم را وادار به عقب نشینی کرد.

جدولی که در زیر به نقل از مطبوعات جمهوری اسلامی عرضه شده نشانگر افزایش اکثر اقلام ما به نیاز روزانه مردم است. باید یادآور سوم که سطح کنونی قیمت ها به هیچ وجه به معنای خافه سیر صعودی آن نبوده و نیست. بازاریان و واسطه ها و ... از هر فرصتی برای بالا بردن قیمت کالا و خدمات استفاده کرده و خواهند کرد. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا نخستین قربانیان سیاست ضد خلقی رژیم و همدستان بازاری آن هستند.

در سال گذشته و اوایل امسال تظاهرات اعتراضی متعددی در شهرهای مختلف و در وهله نخست در تهران از جانب خود مردم ترتیب داده شد. در این مورد به ویژه

باید به نهیلیسم ...

امت برده و امروز رهبر مظم انقلاب اسلامی، دولت آقای هاشمی رفسنجانی و هخامنش آقای هاشمی رفسنجانی، جایی برای شک دوباره خصلت ضد حقوقی دولت باقی نمی ماند.

تصادفی نیست که رئیس جمهور رژیم بدون مشورت با مجلس و بدون تصویب مجلس نهاد های جدید بوجود می آورد، و وزارتخانه ها را منحل می کند، با یک مصوبه قیمت ها را بالا می برد و کوتاه سخن سر نوشت انسان ها را رقم می زند، بدون آنکه توده های میلیونی دخالتی داشته باشند. چنین برخوردهایی به حقوق قانونی از

باید از احتساب کارگران نفت و دیگر احتساب های کارگری، تظاهرات در محله های گوناگون تهران، حرکات اعتراضی دانشجویان و غیره نام برد. تظاهرات اخیر تهران نشان داد که دوران

هراس از اعتراض های متشکل می رود تا جای خود را به مبارزه وسع و گسترده بدهد. این یگانه راه صحیح و منطقی برای دفاع از منافع توده های میلیونی است.

چنایات هولناکی که سران رژیم در این مدت کوتاه به نام اسلام مرتکب نشده اند. نهیلیسم مذهبی - حقوقی به موازات جنگ روانی گسترده، نشانگر سطح نازل فرهنگ سیاسی حکام ج.ا. است و این نیز نمی توانست در پرتابیکه به نفی کامل موازین قانونی مورد پذیرش بشریت مترقی و روی آوردن به ارجحی ترین، واپس مانده ترین، ضد بشری ترین، سیاه ترین قوانین مانند قانون قصاص منجر نگردد. هر فرد دارای مسئولیت و در هر گوشه ای از کشور به نام خدا و اسلام و فرسخ و دغوا خود صل می کند و به ترور شهروندان اشتغال دارد. آیا می توان ناظر این روند وحشیانه بود و ساکت ماند؟ باید به نهیلیسم حقوقی پایان داد.

ویژگیهای تاریخ ماست. مبارزات خونین چندین نسل ایرانی در راه آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی نیز، واکنش منطقی در قبال حکام مستبد بوده است. نیروهای مترقی در طول تاریخ محاصر ایران همیشه علیه حکام خردگامه ای که اصل ایجاد ساختار حقوقی زندگی اجتماعی - سیاسی جامعه را نفی کرده اند و یا مانع ایجاد آن شده اند، مبارزه کرده اند. و این واکنش صریح، نمایانگر کشش مردم به سوی آزادی و دمکراسی و حکومت حقوقی بوده و هست.

به باور ما، امروز هم هدف عمده صبارت است از پایان دادن به سیاست دفاع از منافع سیاسی آنی و نبرد در راه آزادی و دمکراسی به منظور ایجاد یک جامعه آزاد. ۱۲ سال از عصر این رژیم می گذرد. چه

نوع کالا	قیمت در اردیبهشت	قیمت در خرداد	افزایش یا کاهش به درصد
گوشت گوسفندی	۲۲۰۰	۲۶۰۰	۱۸
گوشت مرغ	۱۲۰۰	۱۵۰۰	۱۵/۲
تخم مرغ	۱۲۰۰	۱۶۰۰	۳۳/۳
پنیر ایرانی تبریز	۱۸۰۰	۲۰۰۰	۱۱/۱
پنیر خارجی	۲۲۰۰	۲۶۰۰	۱۸
برنج ایرانی آستانه	۱۰۰۰	۱۱۰۰	۱۰
برنج خارجی تایلندی	۶۵۰	۷۵۰	--
روغن نباتی	۱۸۰۰	۱۸۸۸	۴/۴
لپه تبریزی	۱۰۰۰	۱۰۰۰	--
لوبیا چیتی	۱۱۰۰	۱۲۰۰	۹/۱
ذخود	۱۰۰۰	۱۰۰۰	--
لوبیا قرمز	۱۲۰۰	۱۲۵۰	۴/۱
عدس	۷۶۰	۷۰۰	۷/۸
شکر	۸۰۰	۸۰۰	--
قند حبه ای	۹۰۰	۸۵۰	۵/۵
تاید بسته ای	۴۲۵	۴۲۵	--
گوجه فرنگی	۲۰۰	۲۰۰	--
پیاز	۲۵۰	۲۵۰	--
سبب زمینی	۲۰۰	۲۰۰	--
رب گوجه فرنگی	۸۰۰	۸۰۰	--
کره	۲۲۰۰	۳۶۰۰	۱۲/۵

هفدهمین اجلاسیه سران هفت کشور ثروتمند جهان پایان یافت

شماره ۱۸ ژوئیه سال ۱۹۹۱ می نویسد، غرب با طرح موضوع ارتباط با دوموسه مالی بین المللی تلاش کرد، "بدون خیس شدن آب تنی کند". به نوشته همین روزنامه، اتحاد شوروی هنوز دستیابی به امکانات مالی این دو سازمان را هم ندارد. آنچه مربوط به بانک اروپایی ترمیم و توسعه جدیدالتاسیس (در آوریل ۱۹۹۱) می شود، این بانک اجازه اعطای هفتاد میلیون دلار وام به اتحاد شوروی را داده که در مقابل نیاز دهها میلیارد دلاری آن کشور خنده آوراست.

به هرحال، رسانه های گروهی غرب معتقدند که میخائیل گارباچف دست خالی به مسکو باز نمی گردد. به او وعده داده شده که نخست موسسات مالی بین المللی در انفراسترکچر صنایع نفت آن کشور سرمایه گذاری خواهند کرد و سپس نوبت به سرمایه گذاران خصوصی خواهد رسید.

وزیر دارایی ایالات متحده آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که به زودی شخص وی و دیگر همکاران غریبش برای دادن مصلحت و کمک فنی گذار به اقتصاد بازار، به مسکو سفر خواهند کرد.

آنچه در لندن، پس از مذاکره گارباچف - بوش قطعی شد، تاریخ ملاقات سران دو کشور در مسکو است. این ملاقات در اواخر ماه ژوئیه صورت می گیرد و هدف آن امضای قرارداد کاهش موشک های هسته ای استراتژیک به میزان ۳۰ درصد است.

در اطلاعیه نهایی اجلاسیه سران هفت کشور به مسائل مهمی مانند محیط زیست، موضوع وام جهان سوم، تقویت سازمان ملل متحد، متحد صدور تجهیزات نظامی به کشورهای جهان سوم و... اشاره شده است. ما در شماره آینده "نامه مردم" در این باره سخن خواهیم گفت.

اجلاسیه، یک روز به لندن رفته و با آنها ملاقات کند. هم مطبوعات شوروی و هم رسانه های گروهی خارجی نوشتند که در این ملاقات میخائیل گارباچف باید گزارش مسوولی درباره چگونگی اصلاحات رادیکال، یعنی گذار به اقتصاد بازار به سران هفت کشور ارائه کند.

می گویند میخائیل گارباچف گزارشی در ۲۲ صفحه به سران کشورهای نامبرده ارائه داده که در آن مسائلی از قبیل بازگشت ناپذیری گذار به سیستم اقتصاد بازار، خصوصی کردن موسسات و دیگر اموال دولتی، راکد گذاردن تولید تجهیزات نظامی در هشتاد درصد از موسسات صنعتی، اجازه سرمایه گذاری به سرمایه داران خارجی بدون کوچکترین محدودیتی، تعلق صد درصد سهام کارخانجات به سرمایه خارجی، آزاد گذاردن سیرقیمت ها، دادن استقلال به جمهوری ها، ادامه دمکراتیزه کردن و... تعیین شده است.

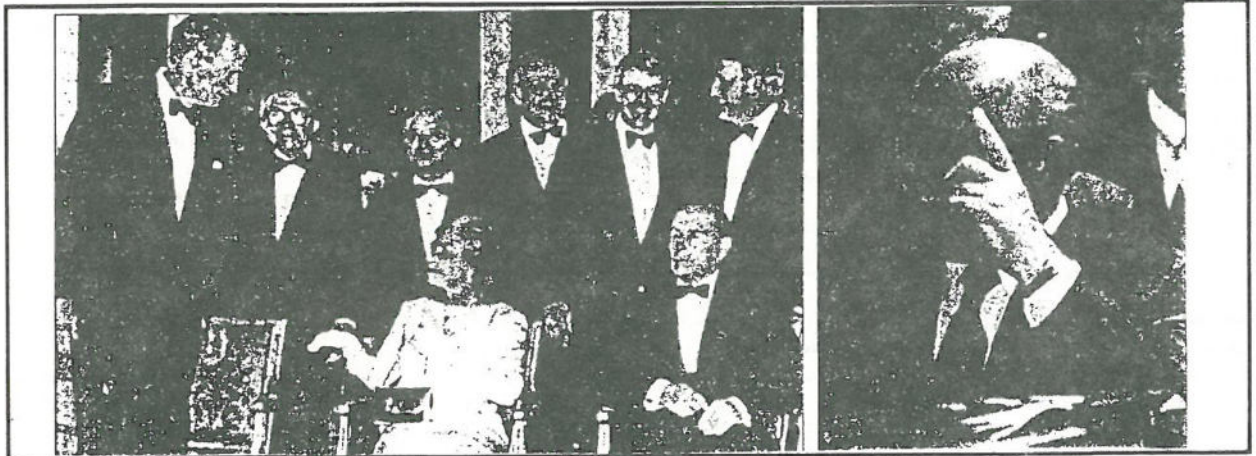
رسانه های گروهی غرب در تفسیر ملاقات رئیس جمهور شوروی با سران هفت کشور می نویسند که به وی هیچ وعده ای درباره دادن وام در این نزدیکی ها داده نشد. خاطرنشان می شود که اتحاد شوروی هم اکنون حدود ۶۵ میلیارد دلار وام خارجی دارد و سالانه باید مبلغ هنگفتی به عنوان اصل و بهره بپردازد. در عین حال برای مدرنیزه کردن صنایع نیاز مبرم به ارز خارجی در مقیاس و حجم بیشتری دارد.

سران هفت کشور به رئیس جمهور اتحاد شوروی ایجاد ارتباط با صندوق بین المللی پول و نیز بانک بین المللی ترمیم و توسعه را توصیه کردند. روزنامه آلمانی "برلینر سائونگ" در

اجلاسیه نوبتی سران هفت کشور ثروتمند جهان در لندن پایان یافت. این گروه نشست ها که از سال ۱۹۷۵ آغاز شده تاکنون هرساله ادامه داشته است. در این جلسات، سران هفت کشور نه تنها مسائل مورد اختلاف میان خود و نیز مضامین اقتصادی - سیاسی خویش را مورد بررسی قرار می دهند، بلکه به عنوان قیم دیگر کشورهای جهان تصمیماتی در پیوند با تعیین سرنوشت آنها اتخاذ می کنند. نمایندگان ساکنان هفت کشور مورد نظر - ایالات متحده آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان فدرال، انگلستان، ایتالیا، ژاپن - که جمعا دوازده درصد کل جمعیت جهان است، در اجلاسیه نوبتی درباره مضامین حیاتی هشتاد و هشت درصد جمعیت کره زمین به گفتگو پرداختند، بدون اینکه نظر آنها را جویا شوند. و این خود یکی از مضامین عظیم و تراژیک جامعه بشری در پایان سده بیستم به شمار می رود. چنین روندی وقتی جهان می یابد که تبلیغات پیرامون نوآندیشی و مسائل عموم بشری کماکان ادامه دارد.

البته ما به هیچ وجه در صد نفی ضرورت نوآندیشی در برخورد به مضامین همه بشری نیستیم. اما، درباره اینکه در این برخوردها باید ایدئولوژی کنار گذارده شود، به هیچ وجه نمی توان موافقت کرد و ما هم چنین نظریه ایدئولوژی زدایی در مناسبات دولتی رانیز نمی می کنیم.

یکی از مسائل مورد بحث در جلسه سران هفت کشور، بحران ساختاری در اتحاد شوروی بود. برای اولین بار روسای هفت کشور موافقت کردند تا میخائیل گارباچف پس از پایان کار



NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 354

July 23 1991

ADDRESSES

1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Postfach 10644 1000 Berlin 10

نامه
مردم

بها : ۲۰ ریال